



## رمضان در فرهنگ مردم الیگودرز

پرویز لونی\*

در گوشه و کنار سرزمین پهناور ایران، آداب و رسوم و آیین‌های خاص و متفاوتی در طول سال برای مناسبت‌های مختلف وجود دارد که هر کدام از این آیین‌ها و آداب و رسوم، برخاسته از فرهنگ و اعتقادات مردمان آن منطقه است. در این میان، آداب ماه مبارک رمضان، یکی از مصادیق فرهنگ عامه است که با ریشه‌های عمیق مذهبی مورد توجه مردم قرار دارد.

---

\* پرویز لونی در سال ۱۳۱۱ در شهرستان الیگودرز از توابع لرستان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای الیگودرز و بروجرد به اتمام رساند. سپس دوره آموزش عالی خود را در دانشگاه جندی شاپور اهواز و در رشته زیست‌شناسی گذراند و موفق به اخذ مدرک لیسانس در این رشته شد و به عنوان دبیر در دبیرستان‌های اهواز و سپس الیگودرز به استخدام آموزش و پرورش درآمد. برخلاف رشته تحصیلی‌اش، به ادبیات فارسی بسیار علاقه‌مند بود و از همان دوران به سرودن اشعاری با مضامین اجتماعی اهتمام ورزید. گردآوری واژه‌های کهن و ارزشمند الیگودرز بهانه‌ای شد تا ایشان با واحد فرهنگ مردم آشنا شوند و به گردآوری و ثبت و ضبط فرهنگ و آداب رسوم زادگاه خود پردازند و یکی از فرهنگیاران پرتلاش و خستگی‌ناپذیر این واحد باشند. اکنون آقای پرویز لونی و فرزندشان سیامک لونی با هم در گردآوری فرهنگ مردم الیگودرز می‌کوشند. این مقاله توسط شایسته بهرامی سامانی تنظیم شده است.

رمضان در فرهنگ مردم ایران از جایگاه ممتازی برخوردار است و همواره آیین‌های ویژه‌ای در ارتباط با این ماه، از سوی مردم مناطق مختلف برپا می‌شود.

در گذشته آداب و آیین‌های ماه رمضان از تنوع و گوناگونی بیشتری برخوردار بود. آداب مذهبی و محلی مربوط به این ماه آن را برای همگان، بویژه کودکان جذاب و خاطره‌انگیز می‌کرد. آداب سحری خوردن، رفتن به مساجد، ختم قرآن، مجالس و عظم و دعا و انواع خوراکی‌های مربوط به این ماه، خاطره‌های آن را ماندگار و دلنشین می‌ساخت.

در گذشته که امکانات ارتباطی زندگی امروز وجود نداشت، آغاز ماه مبارک رمضان در الیگودرز و دیگر شهرهای استان لرستان با آداب و رسوم خاصی همراه بود که در این مقاله به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

### ۱. مراسم پیش از ماه مبارک رمضان (آداب استقبال)

در گذشته، مردم ایران برای استقبال از ماه مبارک رمضان آداب و آیین‌های خاصی برپا می‌کردند و همانند عید نوروز با انجام برخی کارها به استقبال این ماه می‌رفتند و همه در تکاپوی آماده شدن برای یک ماه روزه‌ای بودند.

● **خانه‌تکانی و غبارروبی مساجد:** خانه‌تکانی و شستن فرش‌ها در این زمان انجام می‌گرفت. همچنین در مساجد، غبار از در و دیوار می‌گرفتند و تمام وسایل مسجد را تمیز می‌کردند تا مسجد برای برگزاری مراسم ویژه ماه مبارک رمضان، نمازهای جماعت و شب‌های احیا تمیز و آماده شود.

● **تهیه مایحتاج رمضان:** مردم در این ماه، مایحتاج خود را قبل از ماه مبارک تهیه می‌کردند تا بتوانند با آسودگی خیال این ماه را سپری کنند. معمولاً

آذوقه سحر و افطار و هر آنچه را که برای برگزاری مراسم مختلف نیاز داشتند، تهیه می‌کردند؛ زیرا در این ماه اغلب کسب و کار از رونق می‌افتاد؛ البته به جز نانوبی‌ها، حمامی‌ها و بقالی‌ها که نسبت به ایام دیگر رونق بیشتری داشتند.

● **استقبال کسبه از ماه مبارک رمضان:** بسیاری از کسبه نیز، برای آن که دینی برگردنشان نماند و از حلال بودن لقمه نانی که بر سر سفره می‌برند، اطمینان داشته باشند، کفه‌ای که سنگ ترازو را در آن می‌گذاشتند، کمی سنگین‌تر می‌کردند یا آنکه برای وزن کردن، اجناس را به اصطلاح، چرب‌تر برای مشتری محاسبه می‌کردند. حتی فروشندگان و کسبه‌ای هم که در بقیه سال کم‌فروشی یا گران‌فروشی می‌کردند، در این ماه از این اعمال نکوهیده خودداری می‌نمودند. مردم هم خیالشان راحت بود که اقشار و صنوف مختلف تا حد امکان انصاف را رعایت می‌کنند. بسیاری نیز با ارزان کردن جنس خود، طلب گذشت و بخشش برای خود، نزدیکان و والدین‌شان از مردم و عفو و آمرزش از خداوند کریم داشتند و چه بسا این مهم را فرصتی برای حلالیت طلبیدن می‌دانستند.

● **روزه پیشواز و استقبال از ماه مبارک رمضان:** گرفتن روزه پیشواز و استقبال از ماه مبارک رمضان، از جمله آدابی است که بسیاری از مردم خود را ملزم به انجام آن می‌دانند و یک یا چند روز پیش از ماه مبارک رمضان، در اواخر ماه شعبان‌المعظم، با روزه‌داری به استقبال ماه رمضان می‌روند و خود را برای حضور در این ضیافت پرفیض آماده می‌کنند.

## ۲. حلول ماه مبارک

در شب حلول ماه مبارک، مردم به روی بام خانه‌هایشان می‌رفتند تا هلال ماه نو را خودشان رؤیت کنند. در گذشته پشت‌بام خانه‌ها خاکی بود و از

کاهگل و سنگریزه که با غلتک کوبیده می‌شد، ساخته شده بود. سطح پشت بام را آن چنان غلتک می‌زدند که مانند شیشه صاف و صیقلی می‌شد تا از نفوذ آب برف و باران به درون خانه‌ها جلوگیری شود. اغلب بام خانه‌ها در گذشته به یکدیگر متصل بود یا اینکه با چینه دیواری به هم راه داشت و به همین دلیل همه همسایه‌ها می‌توانستند در کنار یکدیگر باشند.

در شب اول ماه مبارک رمضان پشت بام‌ها را آب‌پاشی می‌کردند و به انتظار حلول ماه نو می‌نشستند. این انتظار و تلاش برای یافتن نشانه‌ای الهی در آسمان، همه را به تفکر وامی‌داشت؛ احساس وصف‌نشدنی و حال بی‌ظیری بود که تمام وجود به آسمان گره می‌خورد.

### ۳. وقت سحری

در الیگودرز اعلام زمان سحر و افطار بر عهده چاووشی خوانان و مؤذنان بود. برای تشخیص وقت سحر از روش‌های ابتدایی مانند تشخیص محل برخی از ستارگان یا بانگ خروس بهره می‌بردند که افراد خاصی متولی این امر بودند. گاه این افراد که صدای خوبی هم داشتند، برای بیدار کردن مردم ابیاتی می‌خواندند و مردم را دعا می‌کردند.

#### ● بیدار شدن در سحر

چاووشی خوانان و مؤذنان هر سحر با روشن کردن چراغ در نقاط مرتفع شهر، جار زدن یا با صدای مناجات و ادعیه مختلفی که بر بام مساجد یا در کوچه‌ها می‌خواندند، مردم را بیدار می‌کردند و چون در گذشته معمولاً بام خانه‌ها به هم راه داشت، کسی که بیدار می‌شد همسایه‌های اطراف خود را نیز بیدار می‌کرد. کوبیدن بر طشت مسی و امثال آن برای بیدار کردن افراد نیز در برخی مناطق رسم بود. بعدها که رادیوهای لامپی و ترانزیستوری وارد خانه‌ها

شد، وقت سحر یا اذان از طریق رادیو اعلام می‌شد. اغلب چندین خانوار که



همه با هم ارتباطی  
نسبی داشتند و در یک  
عمارت با هم زندگی  
می‌کردند، وقت سحر،  
همه از خواب  
برمی‌خاستند و کنار  
سفره می‌نشستند، زیرا

عقیده داشتند که در این زمان ملکوتی، حاجات برآورده می‌شود.

#### ● غذای سحر و افطار

از غذاهای رایج و محلی الیگودرز که بویژه در این ماه و معمولاً در وقت  
سحر تناول می‌شد، «گور ماست» بود. طرز تهیه گور ماست به این شکل بود



که شیر و ماست را به نسبت  
دو به یک با هم مخلوط  
می‌کردند و پس از هم زدن،  
به آن نان خرد شده  
می‌افزودند. سپس کمی صبر  
می‌کردند تا نان‌ها خیس  
بخورد، سپس آن را تناول

می‌کردند. البته هریک از اعضای خانواده که دوست داشت، کمی شکر هم به  
آن اضافه می‌کرد. آنچه که این خورش را خاص ماه رمضان و وقت سحر  
می‌نمود، فرونشاندن عطش و القای حس سیری در طول روز به روزه‌دار بود.

از دیگر غذاها می‌توان به عدسی یا کتلت نیز اشاره کرد. برای تهیه کتلت گوشت را با هاون می‌کوبیدند تا خوب له شود، سپس به آن سیب زمینی، تخم‌مرغ، نمک، ادویه و سبزیجات معطر اضافه می‌کردند و با ترکیب این مواد کتلت درست می‌کردند. آبگوشت نیز غذای پرمصرف آن روزگار بود که در وقت سحر نیز طبخ می‌شد.

#### ۴. نماز صبح

اغلب نمازها در مسجد محل اقامه می‌شد. مسجد محل از نظر ساختمانی و مصالح به کار رفته در آن شبیه به خانه‌ها بود. دیوارهایی کاهگلی و سقفی با تیرهای چوبی داشت. اکثر بزرگان محل در ساخت این مسجد دخیل بودند و اعضای هیئت امنای آن را تشکیل می‌دادند. به همین دلیل مسجد جایگاه غریبی نبود. جایی بود که مردم با عشق و علاقه در آن به عبادت می‌پرداختند و حریم آن را مقدس می‌داشتند. الیگودرز در گذشته دارای چهار محله مهم بود که هر محله مسجدی مختص به خود داشت. مسجد جامع نیز در مرکز شهر بود که نماز جمعه در آن برگزار می‌شد.

#### ۵. افطار

به جرأت می‌توان گفت تمامی بازار در زمان افطار تعطیل می‌شد. ابتدا به مسجد می‌رفتند تا نماز خود را به جماعت بخوانند. سپس همه مردم به خانه‌های خود بازمی‌گشتند تا در کنار خانواده، از روزی حلال، روزه خود را افطار نمایند. زن‌ها در خانه از ساعت‌ها قبل از اذان مغرب به پخت و پز و کارهای منزل مشغول می‌شدند. آماده کردن سفره افطاری حال و هوای خاص

خود را داشت. نان تازه یا فتیره، پنیر، سبزی، هندوانه یا خربزه، خرما، شیر تازه، چای و آب داغ از جمله اقلامی بود که می‌بایست به فراخور فصل، بر سر سفره افطار چیده می‌شد.



صدای مؤذنان و  
چاوش‌خوانان که در  
کوچه‌ها می‌پیچید، خبر از  
نزدیک شدن اذان مغرب  
می‌داد، در این زمان، یکی  
یکی در خانه‌ها باز می‌شد  
و زنان و کودکان با وضو  
به طرف مسجد حرکت

می‌کردند. عده‌ای هم که زودتر به مسجد آمده بودند، در آنجا نماز قضا یا قرآن می‌خواندند. لحظاتی بعد صدای مؤذن از مناره مسجد در کوچه‌ها می‌پیچید. با تمام شدن اذان مغرب، امام جماعت به نماز می‌ایستاد و همه پشت سر او نماز را به جماعت می‌خواندند. پس از نماز نیز عده‌ای که می‌خواستند ثواب افطاری دادن به روزه‌دار را داشته باشند، با خرما یا حلوا از روزه‌داران پذیرایی می‌کردند. پس از نماز همه به خانه‌هایشان بازمی‌گشتند و دور سفره می‌نشستند و افطار می‌کردند.

## ۶. شب‌نشینی‌ها

شب‌نشینی‌ها و صله ارحام، جزو لاینفک آن روزگاران بود. دیدار دوستان و آشنایان بعد از افطار مرسوم بود. در الیگودرز معمولاً افراد فامیل و دوستان و

آشنایان دور هم جمع می‌شدند و شاهنامه یا آثار نظامی مانند خسرو و شیرین می‌خواندند. صاحبخانه نیز با انواع شب‌چره و تنقلات از مهمانان پذیرایی می‌کرد. بیشتر شب‌نشینی‌ها به علت طولانی بودن شب‌ها در فصل زمستان انجام می‌شد. بدون شک در تمامی خانه‌ها کرسی وجود داشت که محلی گرم، دلنشین و خاطره‌انگیز در شب‌نشینی‌ها بود. معمولاً تنقلات را روی سفره کرسی می‌ریختند تا همه افرادی که گرد آن نشسته‌اند، بتوانند از آن تناول کنند.





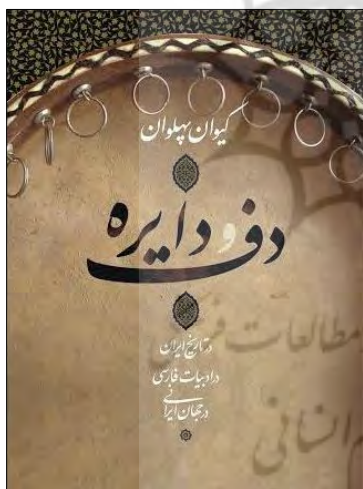


معرفی کتاب

## معرفی کتاب

مجید قربانی\*

دف و دایره، در تاریخ ایران، در ادبیات فارسی، در جهان ایرانی  
کیوان پهلوان سال ۱۳۹۳، ۹۶۲ صفحه، انتشارات آرون.



کتاب «دف و دایره» هر چند در نگاه  
نخست تنها کتابی خاص در معرفی یکی  
از خانواده‌های سازهای موسیقی به نظر  
می‌رسد اما در حقیقت پژوهشگر به  
واسطه دف و دایره به ژرفای آیین‌های  
شادی‌بخش مناطق مختلف ایران ورود  
کرده و تصویر روشنی از آنها ارائه کرده  
است. البته این مهم به اذعان نویسنده در  
طول ۱۷ سال و به مدد سیصد سفر

تحقیقاتی به مناطق گوناگون ایران صورت گرفته است که پژوهشگر برای ادای

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد تهران مرکز